

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱/۲۰

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال پنجم، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۰

موانع و آفات انتظار

رضاعلی نوروزی*

محمد نجفی**

فاطمه هاشمی***

چکیده

این مقاله با هدف بازشناسی برخی از موانع و آفات انتظار به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نوشته شده است. موانعی که این مقاله به آن‌ها پرداخته عبارتند از: استبعاد ذهنی ظهور، خو گرفتن به شرایط موجود، تهدید منافع، شتاب زدگی، عافیت طلبی، نگرش منفی به انتظار، عدم رشد فکری و عدم معرفت به امام زمان ع آفات در کمین امر انتظار که در این مقاله ذکر شده، شامل منجی‌گرایی، ملاقات‌گرایی، مدعی‌پروری، غلو در محبت و باطن‌گرایی است. نتایج مطالعات و بررسی‌ها در مورد علل و ریشه‌های موانع و آفات، حاکی از آن است که عوامل بروز موانع و آفات در برخی موارد مربوط به منشأ (روایات مطرح‌کننده تفکر انتظار مهدی موعود) و گاه در نگرش و عملکرد متولیان امور دینی و فرهنگی و گاه در سوء برداشت نظری و سوء عملکرد پیروان این اعتقاد عظیم و تحول‌آفرین است. در پایان به منظور پالایش اندیشه رایج در جامعه، پیشنهاداتی ارائه شده است.

واژگان کلیدی

انتظار، منتظر، امام زمان ع حضرت حجت ع تربیت، موانع، آفات.

* استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان. (norozi.r@gmail.com)

** استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه اصفهان.

اعتقاد به وجود و ظهور حضرت حجت علیه السلام از جمله اعتقادات اسلامی - شیعی است که همانند سایر اجزاء اعتقادات دینی، آثار سازنده و تربیتی مثبت متعددی بر آن مترتب است. مهدویت و انتظار، بحث اعتقادی محض نیست، بلکه ارزش تربیتی بسیار دارد. وقتی از طریق براهین عقلی و نقلی، ضرورت اعتقاد به وجود و ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام اثبات می شود، تنها مجموعه ای از علوم و معارف اسلامی برای افراد فراهم می آید، اما وقتی مهدویت و انتظار به منزله ایدئولوژی طرح می شود به زندگی انسان ها جهت می دهد و تحولات عظیم هیجانی، عاطفی، اجتماعی و عملی در زندگی افراد ایجاد می کند. هنگامی که جریان تربیت دینی، مشتمل بر بعد تربیتی مهدویت شکل می گیرد، امکان ظهور آسیب و بنابراین، آسیب شناسی فراهم می شود؛ زیرا در جریان تربیت دینی، دست آدمی گشوده می شود و اکنون اوست که باید با فهمی که از دین کسب می کند، به عمل روی آورد و زمینه تحقق برداشت های خود را هموار کند. در این مسیر، افق کوتاه دید آدمی، بدفهمی ها را در دامن می پرورد، چنان که دامنه محدود همت او، بدکرداری ها را در پی می آورد. از این رو، آسیب شناسی تربیتی مهدویت، تلاشی برای بازشناسی این گونه لغزش های فکری و عملی است. (باقری، ۱۳۸۶: ج ۲، ۳۴۶) با توجه به جنبه تربیتی انتظار بازشناسی موانع و آفات انتظار و عوامل پیدایش آن ها ضرورت پیدا می کند؛ چرا که تربیت به خصوص تربیت دینی، امری تدریجی و ظریف و حساس است که باریک بینی و دقت فراوان می طلبد. این حساسیت و ضرورت دقت در دوران غیبت اهمیت بیش تری دارد. از آن جا که انتظار در طول تاریخ، مؤثرترین عامل مقاومت و پایداری در مبارزه با ظلم و بی عدالتی، مخصوصاً در نزد شیعیان بوده است، دشمنان و استعمارگران در صددند تا با استفاده از امکانات عصر ارتباطات و فن آوری و مقولاتی مانند اینترنت و تعاملات فرهنگی بین جوامع، با ایجاد تحریف ها، شبهات و انحرافات در امر ظهور، مانع از تحقق انتظار در میان مسلمانان به خصوص شیعیان شوند یا آن را مسخ کنند و به امری بی روح و عامل رخوت و انفعال تبدیل نمایند تا به راحتی بتوانند بر جوامع اسلامی غالب آیند و منافع و مطامع خود را تأمین کنند. تربیت دینی و تربیت منتظر، مبتنی بر اصول و معیارهای اصیل دینی است. با توجه به این که تربیت دینی و تربیت منتظر از دو بعد علمی و عملی برخوردار است، اگر در حیطه نظری، معیارهای اصیل برگرفته از روایات ائمه اطهار علیهم السلام و آیات قرآن، با کج فهمی و سوء تعبیر فهمیده شود، یا افرادی در حیطه عملی به افراط و تفریط بگرایند، زمینه ایجاد آسیب



فراهم می‌شود و امری به این عظمت که موهبت و فرصتی برای رشد و تعالی انسان‌هاست به عاملی برای انحطاط و سقوط انسان‌ها در ورطهٔ هلاکت و گمراهی تبدیل می‌شود. شناخت موانع و آفات انتظار، از آن جهت مهم و حیاتی است که اندیشه‌های انحرافی، هرگز خود را با عناوین باطل مطرح نمی‌کنند و همیشه در پناه ظواهر دینی وارد میدان می‌شوند و اگر مربیان و متولیان تعلیم و تربیت و هدایت اجتماع، آسیب‌ها و خطرات مسیر و تاکتیک‌های دشمن را نشناسند، راهکارهای مناسب برای جلوگیری از آن‌ها یا مبارزه با آن‌ها ارائه نخواهند کرد.

این مقاله ضمن پاسخ‌گویی به سئوالات زیر و بررسی دلایل انحراف از مسیر انتظار، برای رفع موانع و پیش‌گیری از بروز آفات پیشنهاداتی ارائه می‌دهد: چه عواملی مانع تحقق انتظار می‌شود؟ آفات و آسیب‌های در کمین امر انتظار چیست؟

موانع تحقق انتظار

انتظار در مفهوم کلی، امری فطری و حالتی نفسانی است که با زندگی انسان عجین شده و به معنای چشم به راه بودن برای کسی یا حادثه‌ای است. اما انتظار حضرت امام زمان علیه السلام که در این نوشتار منظور است، تنها طریقی برای رسیدن به مقصد نیست، بلکه خود انتظار موضوعیت دارد؛ چراکه حقیقت انتظار، اتصال به مولا و محبوب است و آثار و برکات سازندهٔ آن در فکر و اندیشه، گرایش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی نمایان می‌شود. اما گاه عواملی مانع از بهره‌مندی برخی افراد از موهبت انتظار و برکات ناشی از آن می‌شوند. در این بخش به معرفی برخی از موانع تحقق انتظار فرج حضرت حجت علیه السلام در وجود انسان‌ها پرداخته می‌شود.

الف) استبعاد ذهنی ظهور

خداوند در آیات شریفه‌ای - که در بخش پایانی دعای عهد نیز آمده است - می‌فرماید:

﴿إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَتَرَاهُ قَرِيبًا﴾؛ (معارج: ۶-۷)

زیرا آنان آن [عذاب یا به تعبیر وارده در دعای عهد، امر ظهور] را دور می‌بینند، و [ما] نزدیکش می‌بینیم.

اساس استبعادی که مطرح می‌شود از دو جنبه قابل طرح است: یکی غیرممکن بودن امر ظهور و دیگری وجود مردی از نسل حضرت زهرا علیها السلام. در مورد ناممکن بودن ظهور، گفته می‌شود: چگونه با توجه به پیچیدگی‌ها و تعدد مشکلات و مسائل بشری در زندگی معاصر، بر

تمام آن‌ها می‌توان فائق آمد؟ از طرفی چگونه ممکن است مردی با یارانی اندک آن هم از قشر مستضعف جامعه بتواند با ابرقدرت‌های حاکم بر جوامع انسانی و در حقیقت حاکم بر جهان به مبارزه بپردازد و بر آنان پیروز شود، در حالی که حاکمان ستمگر، به انواع سلاح‌های کشتار جمعی مجهز و دارای قدرت تخریبی فوق تصور هستند. از طرفی، بشر امروزی بیش از هر زمانی، از انسانیت خود غافل شده و راه سر به هوایی پیش گرفته و در آشفتگی و تشویش فکری بسر می‌برد. ارائه نمونه‌های عینی از تاریخ انبیای پیشین و صدر اسلام پاسخ قانع‌کننده‌ای برای ناباوران نیست؛ چرا که آنان قدرت سلاح‌های امروزی را بیش‌تر باور دارند. نتیجه چنین طرز فکری عدم پذیرش امکان تحقق ظهور و در نتیجه محرومیت از لذت انتظار است.

اما آیا انقلاب اسلامی ایران و پیروزی بزرگ‌مردی بدون سلاح در همین دوره از تاریخ نیز نمی‌تواند این ناپاوری را تغییر دهد؟ جامعه‌ای که بستر انقلاب اسلامی قرار گرفت، تحت تربیت و فرهنگ اسلام ناب نبود، اما در میان افراد آن جامعه افراد بسیاری بودند که فطرتشان به خواب ابدی نرفته بود و با تلنگری بیدار شدند و ندای امام را لبیک گفتند. پس همواره امکان تسلیم افراد در برابر امام و رهبری که انسان‌ها را به سوی فطرتشان فرا می‌خواند وجود دارد. از طرفی تردیدهایی در مورد میزان عمر حضرت مهدی علیه السلام و سلامتی و زنده بودن ایشان مطرح شده و وجود ایشان و عمر طولانی آن حضرت از نظر عقلی و علمی غیرممکن انگاشته می‌شود.

وقتی کسی نتواند موجود بودن موعود را بپذیرد ناگزیر نمی‌تواند منتظر او باشد. اما در حقیقت عقل و علم منکر هیچ‌کدام از موارد مطرح شده نیست و این برداشت در حقیقت فروکاستن عقل و علم به نازل‌ترین سطح علم یعنی علم حسی است. از طرفی با توجه به این‌که انسان موجودی محدود است، علم و عقل او نیز محدودیت‌هایی دارد. اساساً کمال عقل و علم در این است که محدودیت‌های خود را بشناسد. (تا بدان جا رسید دانش من که بدانم همی که نادانم) عقل همیشه کلیات را می‌فهمد و توان اثبات یا نفی آن را دارد و بس. اما اظهار نظر درباره مصادیق جزئی را بیرون از حیطه فعالیت خود می‌داند. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۴۰) از این رو در مورد مسئله ظهور نیز بحث امکان و ضرورت تحقق حکومت جهانی عدالت‌گستر و حیات طیبه این جهانی را می‌توان از منظر عقل بررسی کرد. اما در مورد مصداق منجی بشریت یعنی حضرت مهدی علیه السلام عقل فقط می‌تواند به صورت کلی راهنمای انسان باشد. عقل نه تنها منکر امکان تحقق امر مورد انتظار نیست بلکه وجوب آن را اثبات می‌کند. با توجه به این‌که خداوند حکیم است و نظام موجود هستی، نظام احسن است که توسط خالق

حکیم به وجود آمده و جهان و تاریخ بشری دارای سیر تکاملی است. پس ضرورت دارد که تاریخ بشری به دوران حاکمیت عدالت، پایان بردگی، مساوات در ثروت، امنیت و آزادی، کمال علم و عقل منتهی شود. این که ظهور حضرت حجت علیه السلام را از «اشراط الساعة» می شناسند و ویژگی قیامت «وَأَمَّا زُورًا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ» (یس: ۵۹) جدایی کامل حق از باطل است، شاید به همین دلیل باشد که کمال زندگی زمینی به جدا شدن جبهه حق از جبهه باطل است، تا دنیا شایستگی قیامتی شدن را پیدا کند. از طرفی چون نظام احسن عالی ترین جواب را به نیازهای انسان می دهد، نظام بشری بدون یک قطب برین انسانی امکان ندارد که بتواند به عالی ترین مراتب خود برسد، پس هیچ ستمی پایدار نخواهد بود. (طاهرزاده، ۱۳۸۶: ۱۵۱ و ۱۵۲) به همین دلیل است که بیش تر انسان های آزاده جهان به ظهور منجی در آخرالزمان اعتقاد دارند و انتظار، امری فراگیر در میان امت هاست، هرچند که در مورد مصداق منجی با هم تفاوت دارند. پیروزی حزب الله بر اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه نشان دهنده امکان غلبه حق بر باطل است. اما در مورد طول عمر حضرت مهدی علیه السلام و نوع زندگی ایشان نیز دلیل علمی قاطعی برای نفی امکان حیات چندصدساله برای انسان وجود ندارد و موارد تاریخی مثل حضرت نوح علیه السلام نیز شاهدهی بر این مدعا است. البته طرح مباحث ساده زیست شناختی و تاریخی در شأن امری بدین عظمت نیست و شاید نوعی تنزیل برای امر الهی ظهور حضرت مهدی علیه السلام محسوب شود اما جهت تقریب به ذهن، چاره ای جز اشاره نبود.

ب) خو گرفتن به شرایط موجود

از موانع تحقق امر انتظار فرج حضرت مهدی علیه السلام مانوس شدن افراطی با زندگی عادی و غرق شدن در روزمرگی هاست که باعث می شود انسان، جدا از نداشتن درک درست از کاستی ها و نواقص اوضاع موجود، خود را در شرایط مطلوب احساس کند و دنبال این باشد که مطابق برنامه ریزی هایش زندگی خود را پیش برد و به آرمان های محدود خود دست یابد. نتیجه این تلقی از زندگی، علاقه به حفظ شرایط موجود است و چنین فردی تلاش می کند تا وضع موجود دست نخورد و سر و سامانی که به زندگی اش داده دست خوش هیچ تغییری نشود. در چنین شرایطی مهدویت و انتظار ظهور، اموری حاشیه ای، واژگانی بی روح و هم ردیف با واژه های دیگری باشد و هیچ گونه تأثیر تربیتی و سازنده در زندگی انسان نمی گذارد. در برخی از روایات به موضوع غفلت و تغافل گروهی از مردم از امر عظیم ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده است. در روایتی آمده است که در محضر امام صادق علیه السلام از حضرت قائم علیه السلام یاد شد، آن حضرت فرمود:

إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ يَقُولُ النَّاسُ أَنِّي ذَلِكَ وَقَدْ بَلَيْتَ عِظَامُهُ؛ (نعمانی، ۱۳۶۳: ۲۲۲)

بدانید که هرگاه او قیام کند، حتماً مردم می‌گویند: این چگونه ممکن است؟
درحالی که (چندین و چند سال است) استخوان‌های او نیز پوسیده شده است.

انتظار، ایمان به آینده است و لازمه‌اش انکار حال و تلاش برای تغییر شرایط موجود یا حد اقل آرزوی تغییر وضع موجود است. کسی که از شرایط فعلی خشنود و راضی است، چگونه می‌تواند منتظر باشد بلکه او بیش‌تر یک محافظه‌کار است (شریعتی، ۱۳۸۵: ۳۶) و از هر حادثه‌ای که وضع موجود را متحول کند بیمناک است و چگونه می‌تواند منتظر حادثه‌ای به عظمت ظهور باشد؛ چراکه با ظهور حضرت مهدی علیه السلام و جهت برقراری حکومت جهانی آن حضرت، تمام سامان‌های امروزی دچار آشفتگی و از هم‌گسستگی می‌شود. پس غفلت و تغافل موجب عدم شناخت کاستی‌ها و نابسامانی‌ها و در نهایت محرومیت از مواهب انتظار خواهد شد.

ج) تهدید منافع

تحقق ظهور حضرت مهدی علیه السلام امری است که منافع دو گروه را تهدید می‌کند. لذا تحقق انتظار برای آن‌ها غیرممکن است.

گروه اول، حاکمان و اشراف و ستمگرانی هستند که رونق زندگی آن‌ها در گرو بی‌بند و باری، فساد و ظلم و بیداد است و از بردگی انسان‌های دیگر روز به روز به نان و نوای بیش‌تری می‌رسند و روشن است که ظهور حضرت مهدی علیه السلام و قیام ایشان در برابر کج‌روی‌ها و بیدادگری‌هاست که مساوی با خواری و به ذلت کشیده شدن متکبران ظالم و پیروزی صلح، عدالت و آزادی بر استکبار، استعباد، ظلم و اختناق، برقراری مساوات کامل میان انسان‌ها در امر ثروت، منتفی شدن کامل مفاسد اخلاقی و جنگ و نفاق است. (طیبی، ۱۳۸۱: ۳۸۴) چگونه می‌توان توقع داشت جماعتی که رفاه و عیش و نوش زندگی آن‌ها در جهل و استثمار انسان‌هاست منتظر ظهور مردی باشند که عقول و خرده‌های انسانی را به کمال می‌رساند و در نتیجه مانع پذیرش ظلم و ستم می‌شود و از طرفی خود، تمام ستم‌کاران را به خاک مذلت می‌نشانند. پس ستمگران و زورگویان اساساً نمی‌خواهند ظهوری در کار باشد و نمی‌توانند منتظر ظهور حضرت حجت علیه السلام و نابودی خود باشند.

گروه دیگری که امر ظهور، منافع آنان را به خطر می‌اندازد روحانی‌نمایی هستند که در حقیقت علوم دینی در رشد عقل و ایمان آن‌ها تأثیری نگذاشته بلکه ابزاری در دست آنان



جهت نیل به مطامع دنیوی بوده است. این گروه که امام راحل علیه السلام به حق، آنان را «آخوند درباری» نام نهادند در لباس دین و دین داری بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به دین وارد نموده‌اند. آن‌ها اموال مردم را با عناوین دینی از قبیل خمس و زکات و خیرات دریافت می‌کنند و به جای مصرف شرعی، به مصارف شخصی می‌رسانند یا برای حفظ موقعیت خود، از آن اموال برای تقویت حاکمان زر و زور استفاده می‌کنند و با تفسیرهای غلط از انتظار، آن را به عامل انفعال و رخوت و سکوت و تسلیم تبدیل می‌کنند و بدین وسیله بهترین فرصت را برای حاکمان ستمگر فراهم می‌آورند و خود در کنار آن‌ها زندگی مسالمت‌آمیزی را اختیار می‌کنند. (شریعتی، ۱۳۸۵: ۲۰ - ۳۰) حتی در شرایط امروزی نیز روحانیان و عالمانی هستند که از پرداختن به موضوع مهدویت و تبیین اندیشه‌ها و مفاهیم مهدویت و انتظار خودداری می‌کنند؛ کسانی که سربازان امام زمان علیه السلام محسوب می‌شوند اما در جهت تبلیغ ایشان کاری نمی‌کنند و ایشان را نمی‌خواهند. (عزیزی، ۱۳۸۳: ۹ - ۱۱) روشن است که چنین کسانی نمی‌توانند منتظران ظهور باشند؛ چراکه طولانی شدن دوران غیبت، تأمین‌کننده منافع مادی و آوازه و شهرت آنان است. مطلوب اینان غایب آل محمد علیهم السلام است، نه قائم آل محمد علیه السلام (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۸۱) قرآن کریم در آیاتی، این‌گونه افراد را چنین انتقاد می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان، اموال مردم را به ناروا می‌خورند و از راه خدا بازمی‌دارند و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را از غذایی دردناک خبر ده.» (توبه: ۳۴) این آیه خطاب به پیروان رسول خداست و به راه و رسم ادیان پیشین اشاره دارد، اما در دوران غیبت نیز این چنین قصه‌هایی بسیار تکرار شده است.

د) شتاب‌زدگی

استعجال و شتاب‌زدگی برای ظهور، یکی دیگر از آسیب‌های انتظار است، در حالی که هیچ تأثیری در تعجیل امر ظهور ندارد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

إِنَّمَا هَلَكَ النَّاسُ مِنْ اسْتِعْجَالِهِمْ هَذَا الْأَمْرَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْجَلُ لِعِبَادِهِ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ غَايَةٌ يَنْتَهِي إِلَيْهَا فَلَوْ قَدْ بَلَغُوا لَمْ يَسْتَقْدِمُوا سَاعَةً وَ لَمْ يَسْتَأْخِرُوا؛ (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۳۶۹)

شتاب مردم برای این کار، آن‌ها را هلاک ساخت. خداوند به جهت شتاب مردم، شتاب نمی‌کند. برای این امر مدتی است که باید پایان پذیرد. اگر پایانش فرارسد، آن را ساعتی پیش و پس نیفکند.

بنابر فرمایش قرآن کریم عجل بودن از ویژگی‌های وجودی انسان است.

﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ﴾؛ (انبیاء: ۳۷)

انسان، عجل آفریده شده است.

البته واضح است که ویژگی‌های وجودی انسان با توجه به نوع استفاده از آن‌ها می‌تواند ممدوح یا مذموم باشد. از جمله شتاب‌های ممدوح، عبارات «حی علی الصلاة» و «حی علی الفلاح» و «حی علی خیر العمل» است که مؤمنان، هر روز چندین بار به شتاب فرا خوانده می‌شوند و اما شتاب و عجله مذموم، شتابی است که عمل پیش از موعد و موقع را به بار آورد. گاه پیش می‌آید که انسان به دلیل عجله، شر و زیان خود را می‌طلبد، مثل اصراری که منکران قیامت و مخالفان انبیا در فرا رسیدن قیامت و عذاب الهی داشتند. قرآن در این باره می‌فرماید:

﴿وَيَذَعُ الْإِنْسَانَ بِالْشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا﴾؛ (اسراء: ۱۱)

و انسان [همان‌گونه که] خیر را فرا می‌خواند، [پیشامد] بد را می‌خواند و انسان همواره شتابزده است.

حضرت علی علیه السلام نیز در باره پرهیز از شتاب‌زدگی هشدار می‌فرماید:

مبادا هرگز در کاری که وقت آن فرا نرسیده، شتاب کنید یا در کاری که وقت آن

رسیده، سستی ورزید! (شریف رضی، ۱۳۷۹: ۵۹۱)

در مورد امر ظهور حضرت حجت علیه السلام نیز عجله و شتاب‌زدگی، مذموم و ناپسند شمرده شده است. شتاب‌زدگی در روایتی از امام صادق علیه السلام عامل هلاک انسان معرفی شده است. عبدالرحمن بن کثیر گوید:

در محضر امام صادق علیه السلام بودم که مهزم بر آن حضرت وارد شد و عرضه داشت: فدایت شوم خبرده مرا از این امری که منتظرش هستیم، چه وقت خواهد بود؟ حضرت صادق علیه السلام فرمود: «ای مهزم وقت‌گذاران دروغ گویند و عجله‌کنندگان هلاک گردند و تسلیم‌شدگان نجات یابند. (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۳۶۸)

شتاب در امر ظهور می‌تواند آسیب‌های متعددی به دنبال داشته باشد که به برخی از آن‌ها در زیر اشاره می‌شود:

- پیروی از مدعیان دروغین و رفتن در دام خرافات و انحرافات؛
- یأس از تحقق امر ظهور و تکذیب روایات مربوط به این امر؛
- انکار وجود حضرت ولی عصر علیه السلام؛



- اعتراض به تقدیر الهی و قرار گرفتن در زمره یاران ابلیس؛
- تردید در عدل خدا و نفی حکمت طولانی شدن غیبت؛
- تمسخر و استهزاء منتظران؛
- تردید درباره تمام روایات اهل بیت علیهم السلام.

با توجه به موارد فوق روشن می شود که چرا امام صادق علیه السلام عجله و شتاب را عامل هلاک انسان معرفی نموده اند و باید دقت شود که تسلیم مذکور در روایت، تسلیم در برابر امر و اراده الهی است، نه پذیرش شرایط موجود و تسلیم در برابر حکومت های جائز. عبدالرحمن بن کثیر از حضرت امام صادق علیه السلام آورده که درباره آیه ﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾؛ (نحل: ۱) «امر خداوند آمد در آن شتاب نکتید» فرمود: «آن امر ماست. خدای امر فرموده که در آن عجله نشود تا این که سه لشکر، آن را تأیید کنند: فرشتگان و مؤمنان و رعب.» خروج او (حضرت قائم) همانند خروج حضرت رسول خدا خواهد بود. (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۳: ج ۲، ۲۴۰)

روشن است که اگر کسی راه را به درستی شناخته باشد می کوشد وظایف خود را در دوران غیبت بازشناسد و به آن ها عمل کند و در مسیر رضایت امام زمان علیه السلام و قرب الهی حرکت کند. در چنین شرایطی تقدم و تأخر ظهور، ضرری به فرد نمی رساند، هرچند هر مؤمن منتظری همواره باید آرزومند ظهور باشد اما تسلیم در برابر فرمان حق ضرورت دارد. در این صورت مطابق روایات، از فضایی چون اجر جهاد در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و قرار گرفتن در زمره اهل بیت علیهم السلام برخوردار خواهد شد:

أَمَّا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَثَلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ (صدوق، ۱۳۸۶: ج ۱، ۳۱۷)

آن ها که در زمان غیبت او بر آزار و طعنه و تکذیب دشمنان صبر کردند، مانند کسانی هستند که در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شمشیر زده اند.

أَنْ مَنِ انْتَهَزَ أَمْرَنَا وَ صَبَرَ عَلَى مَا يَرَى مِنَ الْأَذَى وَ الْحَوْفِ هُوَ غَدَاً فِي زُمْرَتِنَا؛ (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۸، ۲۶)

کسی که منتظر امر ما باشد و در این راه، بر آزار و ترس و وحشت صبر کند، او فردا در جرگه ما خواهد بود.

ه) عافیت طلبی

در قرآن کریم، ضعف ویژگی نهفته در خلقت انسان معرفی شده است.

﴿يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا﴾؛ (نساء: ۲۸)

خدا می‌خواهد تا بارتان را سبک گرداند؛ و [می‌داند که] انسان، ناتوان آفریده شده است.

ضعف انسان، ابعاد گوناگونی دارد، از جمله ضعف جسمی، ضعف عقلی و ضعف اراده که نتیجه این ضعف‌ها به خصوص ضعف اراده، فرار از مسئولیت‌ها و تکالیف سنگین است. یکی از مواردی که برای تربیت باید در نظر داشت ضعف انسان است. در عصر غیبت تنها کسانی منتظر حقیقی آن حضرت هستند که در کنار زهد و پارسایی، در عرصه‌های علمی و عملی، اهل میدان جهاد و شهادتند و خویش را برای یاری و حمایت امامشان آماده کرده‌اند و آماده دفاع از مرز دین و حریم قرآن و عترتند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۸۱) پس انتظار در عین حال که امری لذت‌بخش و حیات‌آفرین است، رنج‌افزا و تعهد‌آور و مسئولیت‌آفرین نیز هست. بنابراین اگر کسی منتظر واقعی باشد باید بر ضعف‌های وجودی خود غلبه کند تا انتظار او واجد ویژگی‌های علمی و عملی انتظار باشد. چنین کسی نمی‌تواند در برابر شرایط حاکم بر زندگی انسان، سکوت اختیار کند و لذا به وضع موجود اعتراض می‌کند و با کاستی‌ها و نابسامانی‌های آن به مبارزه برمی‌خیزد و چون منتظر قیام مصلحی است که تمام جهان را از پلیدی‌ها، شرک و ظلم و ستم می‌پیراید لازم است برای مهیا کردن زمینه ظهور، به اصلاح فردی و اجتماعی اقدام کند. این امر صرف نظر از بسیاری از خوشی‌ها، راحتی‌ها و دل‌بستگی‌ها، نیازمند صرف زمان و توان بسیار است. کسی که در پی چنین امر عظیمی است باید متحمل سختی‌ها و شداید بسیاری باشد. لذا بسیاری از افراد که چنین وسعت و قدرتی را در خود سراغ ندارند ترجیح می‌دهند در جریان زندگی عادی خود حرکت کنند و به وادی انتظار پانته‌ند. بنابراین، عافیت‌طلبی از موانع تحقق انتظار به شمار می‌آید. البته ضعف وجودی انسان امری ثابت و تغییرناپذیر نیست بلکه در سایه ایمان به خدا و اتصال به مبدأ وجود و معرفت و مودت به شخص امام زمان علیه السلام، تبدیل به قوت و قدرت می‌گردد و انسان به جایی می‌رسد که در جهت اطاعت از مولای خود فراتر از وسع وجودی خود عمل می‌کند. جابر جعفی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: کی گشایش در کار شما خواهد بود؟ امام فرمود:

هیبهات هیبهات، گشایش در کارها رخ نمی‌دهد تا آن‌که شما غربال شوید، بار دیگر غربال شوید (و این جمله را سه بار فرمود) تا آن‌که خدای تعالی تیرگی را از شما زایل کند و شفافیت در شما به جای ماند. (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۱: ۳۸۹)

کسانی که دنبال آسایش و عدم مواجهه با دشواری‌ها هستند در قلمرو انتظار پای نمی‌گذارند یا پای پس می‌کشند.



و) نگرش منفی به انتظار

شاید از موانع اساسی تحقق انتظار در وجود برخی افراد، نوع نگرش آنان به امر انتظار باشد. ذیلاً به برخی از این دیدگاه‌های منفی اشاره می‌شود:

یکم. دیدگاه دیالکتیکی: برخی تحولات تکامل تاریخی را از زاویه انقلاب اضداد به یکدیگر توجیه می‌کنند، یعنی تاریخ، جریانی دائم و ارتباطی متقابل میان انسان و طبیعت، انسان و اجتماع و صف‌آرایی و جدالی دایم میان گروه‌های در حال رشد انسانی و گروه‌های در حال زوال انسانی است که در نهایت امر، در جریانی تند و انقلابی به سود نیروهای در حال رشد پایان می‌یابد و سرانجام تکاپوی اضداد است که همواره هر حادثه به ضد خودش و او به ضدّ ضد تبدیل می‌گردد و تکامل رخ می‌دهد. (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۸ و ۱۹) با چنین بینشی، فرد خود را محاط در طبیعت و تاریخ می‌داند و جبر تاریخ را بر زندگی خود محیط و حاکم قلمداد می‌کند و نقشی برای اراده انسانی قائل نمی‌شود و در نتیجه انتظار در مفهوم واقعی آن برای چنین فردی نامأنوس و بی‌معنا خواهد بود.

در مقابل این دیدگاه، قرآن مجید همواره به نبردی پی‌گیر میان اهل حق و اهل باطل اشاره می‌کند که از آغاز جهان برپا بوده که در این نبردها و ستیزها گاهی اهل حق و گاهی اهل باطل پیروز بوده‌اند و این پیروزی‌ها و شکست‌ها بستگی به سلسله عوامل اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی داشته است. همواره سنت الهی جاری بوده و تعیین‌کننده‌ترین عامل حرکت تاریخ از دیدگاه قرآن، اراده انسان و جامعه انسانی در تعیین مسیر زندگی بوده است.

دوم. انتظار، بازتاب شکست‌ها: گروهی انتظار را مسئله‌ای روانی ناشی از محرومیت قشرهای محروم جامعه و تاریخ تفسیر می‌کنند؛ نوعی خیال‌بافی یا نوعی گریز از دامن واقعیت به آغوش تخیل. (آصفی، ۱۳۸۱: ۹۶) این دسته انتظار را ویژه افرادی می‌دانند که همواره مظلوم واقع شده‌اند و به دنبال حق خود هستند اما چون مغلوب مانده‌اند و خود را سرخورده احساس می‌کنند برای تسکین دل خویش و برای فرار از واقعیت موجود، خود را با توهم وجود منجی و ظهور او در آینده‌ای نزدیک سرگرم و امیدوار می‌نمایند. کسانی که انتظار را بازتاب محرومیت‌های طبقه شکست‌خورده می‌دانند و محرومیت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی یا سیاسی و عقده‌های روانی را تنها خاستگاه انتظار می‌دانند همان کسانی هستند که دین را افیون ملت‌ها و عامل تخدیر انسان‌ها می‌دانند.

با توجه به این‌که انتظار، امری فطری و فراگیر است و همه انسان‌ها دوست‌دار عدالت و آزادی و کمال و پیشرفت هستند، با دلایل عقلی و نقلی، ضرورت حکومت صالحان و کمال

زندگی زمینی اثبات می‌شود. لذا می‌توان گفت انتظار نه تنها ناشی از شکست و سرخوردگی افراد و نوعی تخدیر نیست، بلکه انتظار حقیقی، آثار روانی مثبت متعددی نیز دارد. سوم. وارداتی بودن انتظار: گروه دیگری معتقدند که انتظار در دین اسلام جایگاهی ندارد و امری وارداتی است که از ادیان و مکاتب دیگر از جمله دین یهود که پیروان آن، سالیان دراز منتظر مسیح و منجی موعود بوده‌اند، وارد دین اسلام و مذهب تشیع شده است. با ملاحظه روایات فراوانی که از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در باره فضیلت و ضرورت انتظار وارد شده و آیاتی از قرآن مبین که حاکمیت صالحان را نوید داده‌اند، روشن می‌شود که انتظار، از فرهنگ اصیل اسلامی و به خصوص تشیع سرچشمه گرفته و منجی، مصداق معینی دارد و هیچ توجیهی برای وارداتی بودن آن نمی‌توان یافت.

۷) عدم رشد فکری

شناخت و آگاهی، اساسی‌ترین رکن انتظار است؛ چراکه تنها کسانی که به بلوغ فکری رسیده باشند قدرت درک کاستی‌های شرایط موجود را دارند و متوجه ضرورت وجود زندگی شایسته برای انسان و جامعه انسانی هستند. از طرفی برای باور به وجود منجی و مصداق روشن آن، حضرت مهدی علیه السلام لازم است که انسان از سطح ادراکات حسی فراتر برود تا قابلیت درک امور معنوی را در خود ایجاد کند. ضعف معرفتی به امام را می‌توان معلول امور ذیل دانست:

- نداشتن تصویری روشن از موضوع مهدویت و استدلال روشن برای عقیده خود؛
 - انتظار یافتن دلایل حسی برای همه مطالب عقلی؛
 - سستی برخی از استدلال‌ها یا عدم تناسب آن با شرایط سنی مخاطب؛
 - شبهه پراکنی‌های بی‌پایی و ضعف پاسخ‌های ارائه شده. (حکیم، ۱۳۸۱: ۳۲۰)
- در همین زمینه امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند:

ای ابو خالد به درستی که اهل زمان غیبت او که امامتش را باور دارند و منتظر ظهور اویند از مردم همه زمان‌ها بهترند؛ زیرا که خدای تبارک و تعالی آن چنان عقل و فهم و شناختی به آن‌ها عنایت کرده که غیبت نزد آنان، همچون دیدن باشد و آنان را در آن زمان به منزله کسانی قرار داده است که در پیشگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله با شمشیر جهاد کرده‌اند. آنان به حق مخلصند و شیعیان واقعی ما و دعوت‌کنندگان به دین خدا در پنهان و آشکار هستند. (صدوق، ۱۳۸۶: ج ۱، ۳۱۹)

با توجه به حدیث فوق، روشن می‌شود که یکی از موانع اصلی تحقق انتظار، عدم رشد



فکری و فقدان بصیرت است.

ح) عدم معرفت

شناخت صحیح امر غیبت، ظهور و معرفت امام زمان علیه السلام از اموری است که می تواند عامل پایداری انسان در امر انتظار باشد، همچنان که امام سجاد علیه السلام می فرماید:

وَإِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ... وَأَمَّا الْأُخْرَى فَيَطُولُ أَمَدُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنِ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَصَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَحْذِ فِي نَفْسِهِ حَرْجًا بِمَا قَضَيْنَا وَ سَلَّمْنَا لِأَهْلِ الْبَيْتِ؛ (همو: ج ۱، ۳۲۳)

برای قائم ما دو گونه غیبت است... اما زمان غیبت دوم به درازا می کشد تا جایی که بیش تر کسانی که به او ایمان داشتند، از اعتقاد خود برمی گردند. فقط کسانی در اعتقاد خود ثابت قدم می مانند که یقینی محکم و استوار و شناختی صحیح دارند و تسلیم ما اهل بیت باشند و سخنان ما بر آن ها گران نباشد.

﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ﴾؛ (یونس: ۳۹)

آن ها چیزی را تکذیب کردند که به آن علم نداشتند.

با توجه به آیه فوق روشن می شود که عدم شناخت و آگاهی از هرامری، موجب انکار و تکذیب و مانع پذیرش آن امر می شود. عدم شناخت حضرت مهدی علیه السلام و جایگاه ایشان در هستی و نقش ایشان در ابعاد مختلف زندگی انسان و همچنین عدم آگاهی از آرمان های انقلاب عظیم جهانی آن حضرت، موجب انکار وجود ایشان و مانع باور به تحقق ظهور می گردد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا؛ (شریف رضی، ۱۳۷۹: ج ۴۲۸)

مردم دشمن چیزی هستند که آن را نمی شناسند.

پس معرفت واقعی به وجود آن حضرت و شناخت صفات و ویژگی های خاص ایشان و انقلاب جهانی آن حضرت می تواند مؤثرترین عامل علاقه و محبت به ایشان باشد و فرد را به اطاعت و انتظار آن حضرت نائل گرداند. متأسفانه در طول سالیان دراز غیبت، فرصتی برای کج اندیشان فراهم شده تا چهره ای مخدوش و وحشتناک از آن حضرت ارائه دهند؛ تصویری پراز خون ریزی و بی رحمی از قیام ایشان که حتی دین داران در آن، گردن زده می شوند و قاریان قرآن از دم تیغ گذرانده می شوند. آنان این گونه زمینه عدم محبت و گاه بغض به ایشان را در دل مردم پدید می آورند و موجب هراس مردم از ظهور امام زمان علیه السلام می شوند. علت این

تصورات غلط درباره امام زمان علیه السلام (قتل‌های آغازین، جوی خون، کشته شدن دو سوم مردم و ... در میان احادیث و روایاتی است که دچار اشکالات بسیار در سند و دلالت هستند. (طبری، ۱۳۸۱: ۳۶۰ - ۳۶۳) در حالی که قیام امام زمان علیه السلام بر ضد بیداد و ستم و برای ایجاد امنیت، آرامش و وفور نعمت و در یک کلام، برقراری حیات طیبه این جهانی است و تنها بر کسانی غضب می‌شود که با آنان اتمام حجت شده باشد و آنان حجت خدا را نپذیرند و آن را سخت انکار کنند. دین‌دارانی که در زمان آن حضرت گردن زده می‌شوند دین‌داران واقعی نیستند، بلکه کسانی هستند که با غفلت از حقیقت دین، آن را ابزاری برای تأمین مطامع خویش پنداشته‌اند و در هنگام ظهور در مقابل آن حضرت سرکشی و عصیان کرده‌اند. در توصیف امام آمده است:

جَوَادٌ بِالْمَالِ، رَحِيمٌ بِالْمَسَاكِينِ، شَدِيدٌ عَلَى الْعَمَالِ؛ (طبری، ۱۳۷۸: ۲۰۷)

او به مال و دارایی، کریم و گشاده‌دست، با مسکینان، مهربان و با کارگزاران، سخت‌گیر است.

امام رضا علیه السلام در بیان صفات امام معصوم می‌فرماید:

يَكُونُ أَعْلَمَ النَّاسِ وَأَحْكَمَ النَّاسِ وَأَتْقَى النَّاسِ وَأَحْلَمَ النَّاسِ وَأَشَجَعَ النَّاسِ وَأَسْحَى النَّاسِ ... وَيَكُونُ أَوْلَىٰ بِالنَّاسِ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ وَأَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ وَ...؛ (صدوق، ۱۳۸۷: ج ۴، ۴۱۸)

امام، سرآمد مردم در دانش، قضاوت و حکمت، پرهیزگاری، حلم، شجاعت و سخاوت است ... او به مردم از خودشان سزاوارتر و از پدر و مادرشان دلسوزتر است و ...

بدین ترتیب روشن می‌شود که عدم معرفت، اساسی‌ترین مانع تحقق انتظار است که متأسفانه در جامعه کوتاهی‌های زیادی در معرفی زیبایی‌های وجودی امام زمان علیه السلام و ابعاد گوناگون برنامه‌های ایشان صورت گرفته است.

آفات تربیتی انتظار

آموزه‌های دینی مانند انتظار علاوه بر آن‌که آموزه اعتقادی به شمار می‌آیند، دستوراتی هستند که برای رشد و ارتقای انسان در ابعاد مختلف شناختی، گرایشی و رفتاری و در نهایت، نیل به سعادت غایی صادر شده‌اند. هرگاه این دستورات به دلیل سوءفهم یا سوءعمل، از آثار تربیتی و سازنده فردی و اجتماعی تهی شود یا از مسیر اصلی خود منحرف گردد، دچار آفت و آسیب می‌شود. در این بخش، به برخی از آفات انتظار اشاره می‌شود:



الف) منجی‌گرایی

با توجه به فراگیر بودن امر انتظار در میان تمام انسان‌ها و پیروان مکاتب و مذاهب مختلف، منجی‌گرایی از دو جنبه می‌تواند عامل آسیب‌زا در تربیت انتظار باشد: اول از جهت اشتباه در مصداق منجی، یعنی وقتی انسان صرفاً دنبال منجی و فقط به فکر نجات از وضع موجود باشد و این امید به نجات و اعتراض به وضع موجود توأم با معرفت منجی نباشد هر کسی می‌تواند با ادعایی جای منجی را برای انسان پر کند، همان‌طور که متأسفانه امروزه در جوامع بشری، خاصه در میان جوانانی که تعریف مشخصی برای زندگی ندارند و تجربه لذت‌های مختلف آن‌ها را ارضا نمی‌کند، حتی شیطان به عنوان منجی مطرح می‌شود و جماعتی به شیطان پرستی پرداخته، آرمان زندگی خود را رسیدن به نهایت پوچی و اقدام به خودکشی می‌دانند. این امر نشان‌دهنده آمیختگی میان حق و باطل در دوران غیبت است. در روایات مربوط به مهدویت این نوع نگرش مذموم شمرده شده و تأکید شده است که مهدی علیه السلام نام فردی مشخص است. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

المهدی رجل من عترتی یقاتل علی سنی کما قاتلت علی الوحی؛ (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۱: ۲۳۲)

مهدی، مردی از عترت من است که به دلیل (برپایی) سنت من می‌جنگد، چنان‌که من به دلیل وحی جنگیدم.

در روایات دیگر بارها تأکید شده که حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه السلام است. با توجه به مطالب مطرح شده، روشن می‌شود که اساسی‌ترین وظیفه منتظران واقعی، تبیین و روشن‌سازی آموزه‌های دینی و جلوگیری از آمیختگی حق و باطل در دوران غیبت است. جنبه دیگر منجی‌گرایی که متأسفانه در میان قشر متدین جامعه رواج پیدا می‌کند، اشتباه در مصداق منجی نیست، بلکه اشتباه در نگرش به انتظار فرج منجی عالم بشریت حضرت مهدی علیه السلام است. این تلقی از انتظار که شاید به دست استکبار و استعمار پدید آمده و به‌طور قطع و یقین مورد رضایت و پسند آنان است مفهومی ایستا و رخوت‌آلود است. بنابراین تلقی در دوران غیبت، دست به هیچ اقدامی نباید زد و باید منتظر بود تا دست غیب از آستین برآید و عدالت و آزادی را به ارمغان آورد؛ هر مؤمنی که منتظر است باید در گوشه خانه خود خلوت‌گزیده مراقب دین خود باشد و ضمن عمل به تکالیف فردی، برای امر فرج دعا کند. شاید آثار تخریبی این جنبه بیش‌تر باشد؛ چراکه در میان اکثر افراد جامعه و به‌خصوص گروه دین‌دار جامعه رواج پیدا می‌کند و عامل فلج شدن

نیروها و سست شدن اراده‌ها و پذیرش اسارت است. چنین برداشتی از انتظار، در حقیقت یاری اهل باطل و فراهم کردن زمینه مناسب برای غلبه اهل باطل بر اهل حق است. در حالی که قرآن به صراحت بر مبارزه و تقابل با اهل باطل برای غلبه بر آن‌ها تأکید می‌ورزد، آن‌جا که می‌فرماید:

﴿يَلْ تَقْدِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَ لَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ﴾ (انبیاء: ۱۸)

بلکه حق را بر باطل فرو می‌افکنیم پس آن را درهم می‌شکنند و به ناگاه آن نابود می‌شود. وای بر شما از آن‌چه وصف می‌کنید!

بی‌گمان دوری‌گزیدن از اجتماع و مسائل آن و عدم مواجهه با اهل باطل، سلب مسئولیت از خود و فریب‌خویشتن است و به‌طور قطع، چنین انتظاری هرگز به ثمر نخواهد نشست و افرادی که با این نوع برداشت از انتظار تربیت شوند افرادی رشد یافته نیستند و از لحاظ فکری متزلزل و آسیب‌پذیرند، چنان‌که توان مقاومت در مقابل ظواهر فریبنده و به اصطلاح، پیشرفته آن‌ها را نخواهند داشت و به سادگی نه تنها از مسیر انتظار بلکه از صراط دین و دین‌داری نیز خارج خواهند شد. باید متوجه بود که در مواجهه و چالش با باطل و پیروزی در آزمون‌های سخت دوران غیبت، ایمان و انتظار حقیقی به رشد و شکوفایی می‌رسد، نه با محدودیت و حصاربندی و فرار از مقابل مخالفان.

ب) سطحی‌نگری

عدم معرفت و بصیرت در دین و امر انتظار و تمسک به پوسته و ظواهر دینی و غفلت از مغز و حقیقت دین اسلام و حکمت غیبت، باعث ایجاد آفات و آسیب‌های متعدد تربیتی می‌شود و امر خطیر انتظار را از روح تحول‌آفرینی فردی و اجتماعی تهی می‌کند که ذیلاً به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

یکم. ملاقات‌گرایی: عدم معرفت به حقیقت وجود امام و چگونگی ارتباط صحیح با ایشان و اساساً عدم درک دلیل ارتباط و نیاز انسان به امام باعث شده تا فرصتی مناسب برای دشمنان الهی و معاندان و منکران مهدویت فراهم آید تا نهایت استفاده را از آن ببرند و به فریب اذهان عمومی بپردازند و در این میان شاید مناسب‌ترین گزینه، گرایش فطری و عشق مردم به امام زمان علیه السلام باشد. لذا دشمن برای خاموش کردن این عشق و خنثی کردن کارکردهای فردی و اجتماعی انتظار کوشیده تا مشتاقان را به اموری ظاهری چون اصرار بر ملاقات با امام زمان علیه السلام و رؤیت بصری ایشان در خواب و بیداری مشغول نماید و در سایه غفلت مشتاقان و منتظران،



تیشه بر ریشه دین داری و مهدی باوری بزند. (میرزایی، ۱۳۸۶: ۱۱) البته نفس اشتیاق به دیدار امام زمان علیه السلام نه تنها مذموم و ناپسند نیست که بسیار پسندیده و از جمله نشانه‌های انتظار است؛ چراکه هر محبتی مشتاق دیدار جمال محبوب است. اما باید توجه کرد که ارتباط حقیقی با امام زمان علیه السلام از طریق تزکیه درونی و عمل به واجبات الهی و پرهیز از محارم الهی و در یک کلام از طریق تقوای الهی حاصل می‌شود. شاید بارها امام در مقابل دیدگان طالبان دیدار ظاهر شده باشد، اما به دلیل عدم قابلیت، وی را نشناخته‌اند و از وجودش بهره نبرده باشند؛ چراکه مطابق روایات، امام در میان افراد انسانی زندگی می‌کند و مردم وی را می‌بینند اما نمی‌شناسند. آسیب‌زایی دیدارگرایی در نفس اشتیاق به دیدار نیست، بلکه در افراط بر اصرار آنان برای دیدار و در مقابل غفلتی است که از وظایف اصلی در قبال امام زمان علیه السلام؛ اعم از وظایف فردی و خانوادگی و اجتماعی دارند. غیبت محرومیت است، اما از آن جا که این محرومیت، محرومیتی قابلی است نه فاعلی، انسان می‌تواند با ورود به وادی انتظار حقیقی و پویا غیبت را به موهبتی تحول‌آفرین برای خویش مبدل سازد و قابلیت‌های ویژه‌ای را در وجود خود رشد دهد. از سویی باید توجه کرد که صرف دیدار امام تا انسان قابلیت بهره‌مندی از وجود ایشان را پیدا نکند، نمی‌تواند مایه کمال انسان باشد. از آن جا که وجود مبارک امام عصر علیه السلام مظهر خدای سبحان هستند از هر دو نگاه عمومی و خاص ذات باری تعالی بهره‌مندند؛ ایشان بر پایه نگاه عام خود، همه اعمال ما را به اذن خدا می‌داند و آن را می‌بیند، حتی از اعمال جوارح و جوانح ما آگاه است؛ چراکه او قلب قلب‌ها و جان جان‌هاست. آن وجود شریف با آن که از همگان آگاه است و همه را به چنین شیوه فراگیری می‌بیند، عده‌ای را هرگز نگاه نمی‌کند و این قهر، همان جلوه «وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ» (آل عمران: ۷۷) باری تعالی است. آن که خویش را در محضر و مشهد امام علیه السلام می‌بیند، می‌کوشد تا لایق نگاه تشریفی امام علیه السلام گردد و در چنین مقامی است که از لغزش‌ها، حفظ می‌گردد و از فیض آن نظاره توفیق می‌یابد و گرنه تنها دیدار جمال آن حضرت، سعادت را تضمین نمی‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۷۳ - ۱۷۴)

همچنان که افرادی چون ابولهب نه تنها با حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ملاقات می‌کردند، بلکه نسبت خونی هم با ایشان داشتند اما چون با آرمان‌های او بیگانه بودند هیچ فیضی از این نسبت و دیدار نبردند و به سخت‌ترین دشمنان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم تبدیل شدند؛ چراکه معرفت لازم را نداشتند و تا معرفت نباشد تطهیر حاصل نمی‌شود و تا تطهیر حاصل نشود بهره‌ای از افاضات ایشان نصیب کسی نمی‌شود. پس صرف دیدار در انتظار، هدف نیست، هرچند که یکی از

اشتیاق‌های منتظر، رسیدن به لقاء جمال یار است، بلکه همراهی و پیروی از امام در افعال و کردار و صفات و اندیشه و در یک کلام متخلق شدن به اوصاف الهی امام و شناخت مسیر حرکت ایشان، باید هدف انتظار باشد. این نوع رفتارها و طلب امام صرفاً برای رفع مشکلات دنیوی، خود نشان غربت امام زمان علیه السلام در میان کسانی است که خود را عاشق و یاور او می‌پندارند و این موضوع، یکی از دلایل غیبت ایشان است.

دوم. مدعی پروری: دامنه طولانی غیبت و فضای انتظار، زمینه مناسبی برای برخی افراد بی‌اعتقاد فراهم می‌کند که برای رفع کمبودهای مادی و معنوی خود با ارائه یک سری نشانه‌های ساختگی، ادعاهایی را مطرح کنند. این ادعاها در زمان غیبت به اشکال مختلف صورت می‌گیرد: عده‌ای خود را یار خاص امام زمان علیه السلام یا حتی شخص امام زمان علیه السلام معرفی کنند و جماعتی بدون معرفت و بصیرت به سادگی در دام این افراد می‌افتند. شکل دیگر، ادعاهایی است که به سبب شرایط خاص غیبت و زندگی امام زمان علیه السلام فرصت بروز پیدا می‌کند. گروهی خود را از منسوبان امام زمان علیه السلام و همسر و فرزند ایشان معرفی می‌کنند و از ارادت و محبت مردم، برای مطرح کردن خویش و فریب اذهان عمومی سوءاستفاده می‌کنند. البته یکی از دلایل بروز این مشکل، علاقه گروهی از مردم به مسائل غیرضروری و پرداختن به مباحث بی‌فایده است. شکل دیگر این ادعاها همچنان که در قسمت ملاقات‌گرایی مطرح شد ادعای ملاقات با امام زمان علیه السلام در خواب یا بیداری است. این افراد ضمن تعریف مشروح جریان ملاقات خود جلساتی بر پا می‌دارند و روش‌های ملاقات را آموزش می‌دهند. متأسفانه جامعه به شدت مشتاق این بازی‌هاست و افراد زیادی در کلاس‌های مدعیان شرکت می‌کنند. (میرزایی، ۱۳۸۶: ۱۸ - ۱۹) صورت خطرناک‌تر موضوع وقتی مطرح می‌شود که این افراد خود را حاملان پیام امام زمان علیه السلام معرفی نمایند و خبرهایی در زمینه مسائل مختلف جامعه یا هنگام ظهور ابلاغ کنند. ادعای باییت و سفارت از ولی عصر علیه السلام به این معناست که فرد ادعا کند به امام معصوم دسترسی یافته و آموزه‌ها و دستوراتی از آن حضرت گرفته است، هرچند که مدعی ارتباط با حضرت ولی عصر علیه السلام به آن تصریح نکند. بر اساس حکم عقل و برآیند دستورات نقلی، تکذیب مدعیان سفارت، وظیفه دوستان و منتظران واقعی آن حضرت است؛ چراکه با گشوده شدن چنین بابی، دین خدا از تحویل و تبدیل در امان نمی‌ماند و این امر موجب هرج و مرج می‌گردد. امت اسلامی در عصر غیبت کبری برای رهایی از بی‌سروسامانی و نجات از بلا تکلیفی، به دستور ائمه هدی علیهم السلام به اطاعت از فقیه جامع‌الشرایط مأمور و موظف گردیده‌اند. (جوادی

آملی، ۱۳۸۷: ۱۹۶ - ۱۹۹) اکثر کسانی که ادعای دیدار دارند به قصد رازگشایی از اسرار غیبت و برای کسب منافع مادی از موضوع انتظار یا کسب شهرت در میان مردم و جبران کمبودهای خود، این مسائل را مطرح می‌کنند و توهمات و نکات مورد نظر خود را تحت عنوان خواب و پیام‌های امام زمان علیه السلام در میان مردم منتشر می‌کنند. طبعاً کذب این مسائل بعد از مدتی نمایان می‌شود و تکرار این موارد می‌تواند باعث دلزدگی و دلسردی مردم از موضوع انتظار شود و حتی چنان گردد که خود امر فرج نیز خرافه تلقی شود. آسیب دیگر این که ممکن است برخی با طرح این مسائل در پی مریدپروری باشند که عامل انحراف از مسیر اصلی انتظار است، در حالی که امام زمان علیه السلام در توقیعی به آخرین نایبشان می‌فرماید:

به زودی افرادی به سوی شیعیان من می‌آیند و ادعای مشاهده مرا خواهند کرد. آگاه باشید که هر کس قبل از خروج سفیانی و شنیدن صیحه آسمانی ادعای مشاهده کند، دروغ‌گوست و افترا می‌بندد و تمام قدرت‌ها و نیروها از آن خداوند متعال است. (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۲۹۷)

چنان که پیداست در توقیع امکان رؤیت نقض نشده اما مدعی ملاقات دروغ‌گو خوانده شده است. هیچ کدام از احادیث دیگر نیز امکان رؤیت امام را نفی نکرده‌اند. شاید در این زمینه بتوان سه گروه را مقصر دانست: از یک سو متولیان امور دینی و علمای جامعه؛ چرا که تعریف درستی از امام، یاران امام و علایم و شرایط ظهور ارائه نکرده‌اند و از سویی خود مردم که بدون تحقیق و تفحص در دام هر ادعایی گرفتار می‌شوند (رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۳۵) و از طرف دیگر قوه قضائیه؛ چرا که برخورد قاطع با این مسائل و افراد که بنیادی‌ترین امور حیات معنوی را به بازی گرفته‌اند به عمل نمی‌آورند. ضمن این که امکان ملاقات با امام نفی نمی‌شود اما تبدیل آن به امری رایج و عادی آن هم برای هر کسی و در هر زمان که اراده کند توهین به ساحت حضرت است. ملاقات، تنها در صورت تشخیص ضرورت از ناحیه امام و فقط به اذن الهی ممکن است.

ج) غلو در محبت

از آسیب‌هایی که طولانی بودن ایام انتظار و محبت بدون معرفت به امام زمان علیه السلام و جایگاه ایشان در هستی ایجاد می‌کند افراط ورزیدن در محبت و مبالغه در مقام آن حضرت در حد خدا و فیاض اصلی است. این امر ناشی از فراهم نبودن بسترهای اعتقادی لازم برای اعتقاد به امامت و به ویژه اعتقاد به وجود امام غایب است. اگر بسترهای لازم فراهم شود و بنیان اعتقادی آموزه مهدویت تقویت شود راه این گونه انحرافات بسته می‌شود. البته این

موضوع، به حضرت ولی عصر علیه السلام اختصاص ندارد و در مورد ائمه دیگر و حتی حضرت ابوالفضل و حضرت زینب علیهما السلام مطرح است که از نظر ائمه بسیار مذموم و نابخشودنی است. ائمه اطهار هرگاه مرز توحید را در خطر می‌دیدند از هرگونه مدارا و تسامح و تساهل خودداری می‌کردند و برای جلوگیری از انتشار عقاید باطل در جامعه به شدیدترین شکل ممکن برخورد می‌کردند. از آن جا که فرصت طرح تمام آن موارد در این مجال نیست تنها به نمونه‌ای اشاره می‌شود: در زمان حضرت علی علیه السلام عده‌ای با عنوان غالیان، امام را تا مقام و منزلت الوهی بالا بردند. حضرت علی علیه السلام برای ارشاد آن‌ها تلاش کرد اما اصرار و لجاجت غالیان موجب شد آن حضرت دستور دهد که غالیان را زنده زنده در آتش بسوزانند؛ (نیلی پور، ۱۳۸۷: ۹) چرا که رکن اصلی دین، توحید است و اگر امام زمان علیه السلام صاحب جایگاه و رتبه‌ای است این جایگاه و رتبه به دلیل شایستگی ایشان از طرف خداوند به آن‌ها عطا شده است. امام در هیچ یک از امور، استقلال ندارد، بلکه نماینده و واسطه خداست که فقط در سایه اراده و اذن الهی، بر امور علم پیدا می‌کند و اوامر الهی را به جا می‌آورد. در همین زمینه روایتی از حمران بن اعین نقل می‌شود:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ: أَنْتَ الْقَائِمُ؟ فَقَالَ: قَدْ وَكَّدَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَنَّى الْمُطَالِبُ بِالذَّمِّ «وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ»؛ (نعمانی، ۱۳۶۳: ۳۱۴)

از امام باقر علیه السلام پرسیدم: آیا قائم تو هستی؟ پس آن حضرت فرمود: زاده و تربیت یافته بیت رسولم و خون خواهی کننده‌ام یا از من خون خواهی کنند و آن چه خدا بخواهد، انجام می‌دهد.

لذا روشن می‌شود که امام، مجری اوامر الهی بوده در تابعیت و عبودیت خداست و هر آن چه خدا امر کند انجام می‌دهد.

(د) باطن‌گرایی

برداشت‌های ناصواب از برخی احادیث، از جمله احادیثی که در زیر مطرح می‌شود، به جامعه‌گریزی، انزوا و در حقیقت، نوعی باطن‌گرایی می‌انجامد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

كُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ الزُّمُوا بُيُوتَكُمْ؛ (همو: ۱۹۷)

در دوره غیبت زبان‌های خود را نگه دارید و ملازم خانه‌های خویش باشید.

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

وَ اتَّخَذُوا صَوَامِعَكُمْ بُيُوتَكُمْ وَ عَضُّوا عَلَيَّ مِثْلَ جَمْرِ الْعَصَا وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا...؛ (مجلسی،



در دوران غیبت خانه‌هایتان را محل عبادت و صومعه خود قرار دهید و آتش غضن را لای دندان بگذارید (کنایه از حفظ زبان از خطر است) و خدا را بسیار یاد کنید... .

این گروه از هر گونه حضور در اجتماعات، برای انجام آداب و مناسک دینی خودداری می‌کنند و هرگز در حضور مردم ذکری از امام زمان علیه السلام و انقلاب عظیم ایشان به میان نمی‌آورند تا عشق و ارادتشان ظاهر نشود.

در حقیقت همان‌طور که پرداختن به امور ظاهری برای دین و انتظار آفت است، باطن‌گرایی نیز برای دین و انتظار آسیب‌زا است؛ چراکه منتظر واقعی و ارادت‌مند معتقد، به تمام آداب دینی مطابق دستورات اسلام عمل می‌کند؛ زیرا عمل صالح، تقوا را در وجود انسان ایجاد و پایدار می‌کند. از طرفی انتظار، علاوه بر بعد فردی، بعد اجتماعی نیز دارد، بنابراین منتظران واقعی باید در اجتماعات حاضر شوند و برای معرفی و محبوب کردن امام زمان علیه السلام و نزدیکی فرج بکوشند و با اخلاق اسلامی و موعظهٔ حسنه، دل‌های مردم را متوجه امام زمان علیه السلام نمایند و در اصلاح جامعه کوشش کنند و اگر نگران از دست رفتن اخلاص هستند خلوت خویش را معنوی‌تر نمایند و بهتر و بیش‌تر با امام زمان علیه السلام و خدای مهربان مأنوس شوند. از آن‌جا که احادیث و توقیعات به زبان متناسب با فهم افراد و شرایط زمان تفسیر نمی‌شود و مفاهیم نهفته در احادیث به درستی تبیین نمی‌شود کج‌فهمی‌هایی از این دست کردارهای نادرستی را رقم می‌زند، در حالی که از احادیث مزبور تفسیر دیگری نیز می‌توان ارائه داد؟ توصیه به هوشیاری دربارهٔ حوادث دوران غیبت و بذل توجه بیش‌تر به خانواده و امور تربیتی فرزندان و حراست از خانه و خانواده در برابر نفوذ فرهنگ ضد دینی. با توجه به تعلیم ائمهٔ هدی علیهم السلام و اهمیت و نقشی که خانواده در تربیت فرزندان صالح و نسل منتظر دارد برداشت اخیر صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

نتیجه

در میان اعتقادات اسلامی - شیعی، مهدویت اصالت و مبانی مستحکمی دارد. این آموزهٔ ناب دینی همچون تعالیم دیگر به جهت هماهنگی با نظام تکوین و تشریح، از کارایی و توان‌مندی خاصی در تربیت شخصیت افراد و تحول جوامع انسانی برخوردار است. به همین دلیل، این آموزه همواره مورد سوءاستفاده و تعدی معاندان و منکران نیز بوده است. از مباحث طرح شده چنین برمی‌آید که موانع و آفات انتظار، گاه ریشه در منشأ، یعنی روایات مربوط به اندیشهٔ انتظار حضرت مهدی علیه السلام و گاه در نگرش مبلغان و گاه در اندیشه و رفتار دین‌ورزان و

- پیروان این ایده آسمانی دارد و برخی از آن‌ها را کسانی القا کرده‌اند که با مکتب علوی و مهدوی کینه دیرینه دارند. با توجه به مباحث مطرح شده، عامل اصلی عدم بصیرت و ناآگاهی به معارف مهدوی به‌ویژه عدم معرفت به آرمان‌های امام، عدم درک صحیح از امر ظهور، غیبت و انتظار است. البته علاوه بر حوزه معرفتی و شناختی کاستی‌هایی در حوزه‌های عاطفی و رفتاری نیز وجود دارد که موجب فراهم شدن بستر مناسب برای ایجاد انحرافات می‌شود. نگاه نادرست به مفهوم انتظار، نوعی تفکر جدایی فرد از جامعه و عدم مواجهه با هرگونه چالشی را به ذهن فرد متبادر می‌کند. از سویی برخورد صرفاً عاطفی با امر عظمای ولایت و انتظار، آن هم عواطفی که مبتنی بر توهمات و امیال درونی است نه مطابق با معارف حقه، موجب می‌شود افراد به سادگی در دام انحرافات و مدعیان گرفتار آیند. لذا پیشنهاد می‌شود:
۱. در بدو امر پژوهش‌های میدانی سنجیده و دقیقی برای بررسی میزان آگاهی قشرهای مختلف جامعه به‌ویژه نسل نوجوان و جوان جامعه درباره معارف اصیل مهدوی صورت گیرد و نشانه‌ها و زمینه‌های آسیب‌ها شناسایی شود؛
 ۲. هم‌زمان با پرورش حس زیبادوستی و زیبایی‌خواهی در کودکان و نوجوانان، زیبایی‌های حیات طیبه مهدوی برای آنان تبیین شود؛
 ۳. مفاهیم غیبت، انتظار و ظهور و علل و عوامل مؤثر در هر کدام، در مراکز آموزشی و رسانه ملی تفهیم و تبیین گردد؛
 ۴. هنگام بازشناسی آموزه‌های اصیل مهدویت و انتظار، عنصر زمان و مکان مورد عنایت قرار گیرد و مطالب به زبان روز و متناسب با اندیشه مخاطبان عرضه شود و مرزهای حق و باطل با بیانی رسا و شیوا مشخص شود؛
 ۵. هنگام بحث و گفت‌وگو و تبلیغ معارف مهدوی، هم‌سویی مباحث مهدوی با اصل توحید و نبوت و معاد به دقت مورد توجه و تأکید قرار گیرد و انتظار، امری جداگانه فرض نشود. چراکه اعتقاد به امامت، انتظار و ظهور، امتداد اعتقاد به توحید است. تا موجب بروز آسیب‌هایی همچون غلو در محبت نگردد. پس ضروری است نخست اعتقادات متریبان به توحید و ربوبیت الهی تصحیح و تقویت شود؛
 ۶. در مباحث و موضوعات درسی مختلف به فراخور موضوع، مباحث مهدوی طرح و موضوع مهدویت از تمام جوانب معرفی و تبیین شود؛
 ۷. احادیث و روایات از لحاظ صحت سند بررسی و احادیث صحیح از طریق منابع معتبر در اختیار افراد قرار گیرد و به‌طور صریح برای مردم تبیین شود.

منابع

۱. آصفی، محمد مهدی، «انتظار پویا»، فصل نامه *انتظار*، ش ۶، ۱۳۸۱ ش.
۲. جوادی آملی، عبدالله، *ادب فنای مهربان*، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱ ش.
۳. _____، *امام مهدی؛ موجود موعود*، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷ ش.
۴. حکیم، سید منذر، «تاریخ عصر غیبت کبری»، فصل نامه *انتظار*، ش ۶، ۱۳۸۱ ش.
۵. رضوانی، علی اصغر، *موعودشناسی*، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴ ش.
۶. شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی، قم، نشر مشرقین، ۱۳۷۹ ش.
۷. شریعتی، علی، *انتظار؛ مذهب اعتراض*، تهران، نیایش گران وحدت، ۱۳۸۵ ش.
۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمة*، ترجمه: منصور پهلوان، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ ش.
۹. _____، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر فی الامام الاثنی عشر*، قم، مؤسسه السیده المعصومه، ۱۴۲۱ ق.
۱۱. طاهرزاده، اصغر، *مبانی معرفتی مهدویت*، اصفهان، لب المیزان، ۱۳۸۶ ش.
۱۲. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. طبری، عمادالدین، *بشارة المصطفی ﷺ لشيعة المرتضى عليه السلام*، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۱۴. طبسی، نجم الدین، «درنگی در روایات قتل های آغازین دولت مهدی»، فصل نامه *انتظار*، ش ۶، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. عزیزی، حمید، *آیا ظهور امام زمان ﷺ نزدیک است؟*، قم، شمیم گل نرگس، ۱۳۸۳ ش.
۱۶. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۱۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ ق.
۱۸. مطهری، مرتضی، *قیام و انقلاب مهدی*، تهران، صدرا، ۱۳۷۸ ش.
۱۹. موسوی اصفهانی، محمد تقی، *مکیال المکارم (درفواید دعا برای حضرت قائم)*، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۳ ش.

۲۰. میرزایی، فاطمه، توهم در دیدار امام زمان علیه السلام تهران، پرتو واقعه، ۱۳۸۶ ش.
۲۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، ترجمه: جواد غفاری، تهران، کتابخانه صدوق، بازارسرای اردیبهشت، ۱۳۶۳ ش.
۲۲. نیلی پور، مهدی، گل روی علی علیه السلام، اصفهان، مرغ سلیمان، ۱۳۸۷ ش.

Archive of SID



سال پنجم، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۰

۵۲